

حوادث

باند خطرناک ساطوری های مشهد

زن جوان همه طعمه ها را شوکه کرد



بخش اجتماعی – فریاد می زد «مرا اشتباه دستگیر کرده اید! من مسافرکشی هستم که برای یک لقمه نان حلال تلاش می کنم!» اما این فریادها هیچ فایده ای نداشت چرا که مطمئن بودیم زورگیران خشن ساطور به دست را به دام انداخته ایم اما تازه در مقر انتظامی متوجه شدیم که آخرین طعمه زورگیران چگونه از زیر ضربات مهلک ساطور نجات یافته است و…»

حدود اسفند سال ۸۹ بود که زورگیری های وحشتناک از رانندگان مسافربر در اطراف چناران آغاز شد. بررسی پرونده ها و اظهارات رانندگان خون آلود در مراکز درمانی نشان می داد که اعضای یک باند خطرناک در حالی که یک زن نیز آن ها را همراهی می کند، خودروی رانندگان مسافرکش را به طور درستی و با پیشنهاد مبالغ بالا از مشهد به مقصد چناران اجاره می کنند و سپس با کشاندن راننده به جاده های فرعی، او را با ضربات مهلک ساطور و چاقو هدف حمله قرار می دهند. زورگیران خشن نه تنها خودروی راننده را می ربودند بلکه همه اموالش را می گرفتند و او را با پیکری خون آلود در مناطق خلوت شهر رها می کردند و … خلاصه، شمار این زورگیری ها هر روز افزایش می یافت، به طوری که در طول یک هفته به حدود ۱۰ فقره رسید. این ماجرا پلیس آگاهی چناران را که آن زمان ریاست اش به عهده من بود، به تکاپو واداشت به طوری که احساس می کردیم رانندگان قربانی زورگیری های اعضای این باند خطرناک و بی رحم می شوند. به همین دلیل، جلسات تجزیه و تحلیل این پرونده ها با توجه به مکان های جغرافیایی ارتکاب جرم با طرح چند فرضیه پلیسی آغاز شد. نتیجه جلسات کارشناسی این بود که اعضای باند در چناران اقامت دارند و هر روز بعدازظهر برای یافتن طعمه به مشهد می روند و رانندگان مسافرکش را از مناطق میدان آزادی، میدان استقلال و ابتدای قاسم آباد به دام می اندازند. در همین اثنا، حادثه وحشتناک دیگری به پلیس گزارش شد. وقتی به بیمارستان رسیدیم با پیکر خون آلود جوان ۲۰ساله ای روبه رو شدیم که برای تامین هزینه های دانشگاه، مسافرکشی می کرد. او که هدف ضربات وحشتناک ساطور قرار گرفته بود، درباره این حادثه گفت: سه مرد جوان و یک خانم را از مشهد به مقصد چناران سوار پرایدم کردم اما آن ها در نزدیکی چناران مرا به جاده فرعی کشاندند و فقط متوجه شدم که چیزی شبیه ساطور به سرم خورد. سپس در صندوق عقب خودروی خودم به هوش آمدم و شنیدم که یکی از آن ها «محسن» نام دارد و برای خرید مواد مخدر پیاده شدند. با همان سر و وضع خونین صندوق عقب را باز کردم و

دیدم سوییچ روی خودرو است، به آرامی پشت فرمان نشستم و پدال گاز را فشار دادم. آن ها فریادزنان به دنبال خودرو دویدند ولی من از چنگ آن ها گریختم. سپس در حالی که سرگردان بودم، یکی از ماموران پلیس را دیدم و با کمک او به مرکز درمانی انتقال یافتم و … آن روز با اطلاعاتی که جوان مجروح در اختیار ما گذاشت، بلافاصله عملیات در شاخه های مختلف پلیسی آغاز شد. علاوه بر اجرای چندین طرح مهار در مناطق مختلف شهر، با همکاری نیروهای ستاد مبارزه با مواد مخدر، منازل و پاتوق های خرده فروشان سابقه دار شناسایی شد و مورد بررسی های غیرمحموس قرار گرفت. ماجرا از اهمیت ویژه ای برخوردار بود چرا که جان رانندگان در معرض خطر قرار داشت. به همین دلیل با همه تجهیزات و امکانات و توان علمی وارد عمل شدیم. ردیابی های جغرافیایی وقوع جرایم به محله ای می رسید که دو پاتوق مهم در آن جا وجود داشت. در بازرسی یکی از این منازل تعدادی گوشی تلفن، ساعت، انگشتر و مدارک خودرو کشف شد که یکی از گواهی نامه ها به نام «محسن» بود. با آن که هنگام بازرسی پاتوق که با دستور قضایی انجام گرفت، هیچ کس در آن جا حضور نداشت اما کشف این اموال و به ویژه گواهی نامه ای به نام محسن حکایت از آن داشت که این پاتوق سرخ اصلی ماجراست چرا که داغ بودن سماور مشخص می کرد پاتوق نشینان به زودی به این محل باز می گردند، بنابراین با پوشش غیرمحموس آن محل در محاصره پلیس قرار گرفت تا این که حدود ساعت ۲۲ یک پراید با چند سرنشین مقابل همان پاتوق متوقف شد. یکی از سرنشینان با توجه به عکس گواهی نامه، همان محسن بود. در یک لحظه غافلگیرانه همه سرنشینان خودرو به همراه یک زن جوان دستگیر شدند. در این میان، راننده جوان پراید فریاد می زد اشتباه گرفته اید من بی گناهم! بالاخره، بررسی ها نشان داد دستگیر شدگان اعضای باند خطرناک ساطوری هستند و راننده پراید آخرین طعمه آن ها بود اما اعضای باند برای برداشتن مواد مخدر به پاتوق بازگشته بودند که در دام پلیس افتادند و راننده پراید این گونه نجات یافت …

مهرماه ۱۳۹۹

بخش اجتماعی

بخش اجتماعی – از روزی که با آن زن آشنا شدم دیگر هیچ چیزی از نظر مالی کم نداشتم و هر چه می خواستم برایم فراهم می کرد اما من نمی دانستم او چه نقشه وحشتناکی را در سر می پروراند. بیش از دو سال با او ارتباط داشتم و در این مدت مرا آن قدر وابسته خودش کرد که دیگر برده شیطان بودم! هر چه می گفت کاملا می پذیرفتم و هر کاری از من می خواست چشم و گوش بسته انجام می دادم تا جایی که نقشه قتل شوهرش را با من در میان گذاشت تا بعد از کشتن شوهرش ندیای خوشبختی و خوش گذرانی را تجربه کنم اما…

این ها بخشی از اظهارات جوان ۲۹ ساله ای است که در پی یک آشنایی خیابانی با یک زن ۴۰ ساله، شوهر پژوسوار او را به طرز هولناکی کشت تا با وعده و وعیدهای پوشالی آن زن خیانتکار به دوران خوش گذرانی و خوشبختی با پول های بادآورده برسد. او که برای ارتکاب این جنایت هولناک برادر ۲۲ ساله اش را نیز با خود همراه کرده بود هجدهم تیر گذشته مرد ۴۴ ساله پژوسوار را در لانه مجردی خودش به قتل رساند و روز بعد جسد او را درون دو کیسه گونی در حاشیه جاده روستای سالارآباد رها کرد. آن چه می خوانید گفت وگویی خراسان با این قاتل خوش گذران است.

◆ **نامت چیست؟**

سجاد-ی

◆ **متولد چه سالی هستی؟**

سال ۷۳ و در یکی از روستاهای سرخس به دنیا آمدم.

◆ **در همان روستا تحصیل کردی؟**

تا راهنمایی در روستا بودم اما برای ادامه تحصیل در دبیرستان کاردانش به مشهد آمدم.

◆ **در چه رشته ای دیپلم گرفتی؟**

زراعت و باغبانی! ابتدا در خادم آباد تحصیل کردم و بعد به خوابگاه شبانه روزی طرق آمدم.

◆ **متاهلی؟**

بله البته یک بار همسرم را طلاق دادم و سال گذشته برای دومین بار ازدواج کردم.

◆ **چرا همسرت را طلاق دادی؟**

او به دنبال پول و تفریح بود و من هم نمی توانستم از عهده مخارجش بر بیایم. به همین دلیل بعد از آن که حدود سه سال در عقد بودیم، او را طلاق دادم. آن زمان ۲۰ ساله بودم و بعد از ازدواج عازم خدمت سربازی شدم اما به دلیل این که فرار کردم و اضافه خدمت خوردم حدود ۳٫۵ سال خدمت سربازی ام طول کشید.

◆ **کجا خدمت کردی؟**

در کلاترتی های مشهد خدمت می کردم. ابتدا در پاسگاه انتظامی اناد بودم و بعد هم در گوجگی، سیدی، جهاد و آخر سر هم در کلاترتی نجفی خدمت کردم!

◆ **چگونه با «ن» آشنا شدی؟**

یک روز که زیر پل الغدیر ایستاده بودم سوار خودرواش شدم چون او مسافرکشی می کرد. همان روز مخ مرزا آن قدر از سرمایه و اموالش تعریف کرد که وسوسه شدم! می گفت هر جا مشکلی داشتی به من بگو. بعد هم

قتل مرد ضایعاتی توسط جوان تهرانی

بخش اجتماعی– سرهنگ عباس کرمی، رئیس یگان حفاظت از اماکن عمومی پلیس پیشگیری پایتخت خبر قتل مرد ضایعاتی را توسط جوانی ۲۱ ساله گزارش داد. به گزارش رکن، ماجرای قتل از این قرار بوده است که جوانی ۲۱ ساله یک دستگاه خودروی وانت داشته و نزد فردی ۴۰ ساله کار می کرده است. این جوان ضایعات جمع‌آوری می‌کرده و برای فرد میان سال می‌برده و با یکدیگر در شهرک صالحین شهری ضایعات را تفکیک و در واقع با یکدیگر کار می‌کردند. اما حدود یک ماه بوده که پسر جوان تفکیک ضایعات با مرد ۴۰ ساله همکاری نداشته است. صبح دوشنبه ششم مردادماه، مرد میان سال در تماس با پسر ۲۱ ساله علت حضورنیافتن یک ماهه او را بر سر کارش جویا می‌شود. پسر جوان می‌گوید: کار بهتری پیدا کردم و دیگر کار ضایعات انجام نمی‌دهم اما غروب سر می‌زنم. حدود ساعت ۴۰:۳۰ صبح دیروز مرد میان سال که اعتیاد هم داشته به خانه پسر جوان می‌رود و خواهر ۱۴ ساله پسر در را باز می‌کند چرا که پدر و مادر و برادرش در منزل نبودند. مرد میان سال سراغ برادر دختر را می‌گیرد که دختر نوجوان اعلام می‌کند برادرش در منزل حضور ندارد. مرد میان سال درخواست می‌کند دختر نوجوان با برادرش تماس بگیرد و تقاضا کند او به خانه بیاید که پسر جوان نیز کارش را رها می‌کند و به خانه می‌آید زیرا نگران خواهر نوجوانش می‌شود که مرد میان سال معتاد به در خانه‌شان رفته است. پسر جوان و مرد میان سال در خانه پسر ۲۱ ساله درگیری لفظی پیدا می‌کنند و مرد میان سال جوان را کتک می‌زند و او را تحریک می‌کند که همین اقدام موجب می‌شود پسر جوان دست به چاقو شود و چند ضربه به قفسه سینه مرد میان سال می‌زند که بعد از خون ریزی از حال می‌رود. خواهر پسر از او تقاضا می‌کند به اورژانس زنگ بزنند اما بعد از انتقال مرد میان سال به بیمارستان فیروزآبادی شهری و انجام عملیات درمانی ، او بعد از دو ساعت فوت می‌کند. بعد از فوت مرد میان سال، یگان حفاظت با کلاترتی ۱۳۱ شهری تماس می‌گیرند و ماجرا را گزارش می‌دهند. بلافاصله رئیس کلاترتی ۱۳۱ شهری سرهنگ حسینی‌فر تیم عملیات را به بیمارستان اعزام می‌کند که اقدام به دستگیری جوان ۲۱ ساله می‌کنند و او نیز نزد بازپرس کشیک قتل و افسر تشخیص هویت، به قتل اعتراف می‌کند و ماجرا را به طور کامل شرح می‌دهد. سپس توسط تیم تشخیص هویت اداره ۱۰ آگاهی و دستورات بازپرس کشیک قتل صحنه‌سازی قتل انجام می‌شود و اکنون پسر جوان به جرم قتل در بازداشت به سر می‌برد و سیر مراحل قضایی درحال انجام است.

{اجتماعی}

مهرماه ۱۳۹۹

سال بیست و چهارم / شماره ۵۵۲۴

گفت و گو با قاتلی که برای رسیدن به دوران خوش گذرانی آدم کشت

برده شیطان بودم!

شماره تلفنم را گرفت و از آن روز مدام در کافه ها و رستوران ها بودیم! وقتی خدمت سربازی ام به پایان رسید ، حدود یک ماه با او قطع رابطه کردم.

◆ **چرا دوباره سراغش رفتی؟**

او خود شیطان بود ، دوباره به بهانه سرقت تلفن خواهرش با من تماس گرفت و آن قدر وسوسه ام کرد که دیگر رام شدم و به نزد او بازگشتم.



خیلی برایم خرج می کرد، بهترین کفش و لباس ها را می خرید و پول به کارتم واریز می کرد. من هم که بیکار بودم به خوش گذرانی می پرداختم!

◆ **خانه مجردی که شوهر «ن» را آن جا کشتی مال خودت بود؟**

نه! آن جا را همان زن برایم اجاره کرده بود تا راحت باشم ،در واقع چیزی لازم نداشتم و او همه مایحتاج من را تامین می کرد.

◆ **وقتی سال گذشته دوباره ازدواج کردی، آن زن اعتراض نکرد؟**

کیهان امروز

سال بیست و چهارم / شماره ۵۵۲۴

گفت و گو با قاتلی که برای رسیدن به دوران خوش گذرانی آدم کشت

چرا! خیلی اعتراض می کرد او می گفت: ازدواج نکن ، هر چه بخواهی من تامین می کنم! چرا وقتی می توانی خوش بگذرانی، خودت را بیچاره می کنی؟ به هیچ وجه نمی گذاشت ازدواج کنم اما من به حرفش گوش نکردم.

◆ **با همسر دوم ات چگونه آشنا شدی؟**

او از بستگان پدرم بود. در دوران نامزدی از همسرش طلاق گرفته بود و من به خاطر آشنایی فامیلی با او ازدواج کردم.

◆ **بعد از ازدواج رابطه ات با «ن» به کجا رسید؟**

او خیلی از این موضوع ناراحت بود. آن قدر به سرم خواند و مرا جادو کرد که به همسرم گفتم تو را طلاق می دهم. به او می گفتم من تو را دوست ندارم! همان طور که گفتم من برده شیطان بودم و هر چه آن زن تلقین می کرد به راحتی می پذیرفتم و به عقابت حرف هایش نمی اندیشیدم.

◆ **او با همسرش اختلاف داشت؟**

نمی دانم. به من می گفت همسرم را دوست ندارم! به اجبار با او ازدواج کرده ام.

◆ **چه شد که نقشه قتل را طرح کردی؟**

نقشه قتل را «ن» کشید. او می گفت اگر همسرم را از میان برداری، همه اموالم مال تو می شود و دیگر به راحتی می توانی زندگی کنی!من همسر او را ندیده بودم تا این که چند روز قبل از قتل او را به من و برادرم نشان داد چون نقشه قبلی چیز دیگری بود.

◆ **چه نقشه ای داشت؟**

قرار بود ما به عنوان مسافر سوار خودروی شوهرش شویم که بعدازظهرها مسافر کشی می کرد و او را در جاده به قتل برسانیم تا چنین وانمود شود که درزان خودرو، شوهرش را کشته اند! به همین دلیل او را در خیابان گاراژدارها به ما نشان داد و من و برادرم به طور درستی خودرواش را به مقصد تربت حیدریه اجاره کردیم اما در بین راه به رفتار ما مشکوک شد و مقابل فروشگاه های کنار بزرگراه باغچه از خودرو پیاده کرد.

◆ **بعد از این ماجرا چه اتفاقی افتاد؟**

«ن» نزد من آمد و خیلی مرا سرزنش کرد که چرا نتوانستیم شوهرش را یکشیم و بد هم نقشه قتل را تغییر داد و شوهرش را به همین خانه مجردی کشاند که من و برادرم با هم او را کشتیم و روز بعد جسد را در کنار جاده رها کردیم.

◆ **معتادی؟**

نه! روزهای آخر کنار برادرم چند دود گرفتم اما قلیان تنباکو کشیدم چرا که آن زن خودش قلیان می کشید من هم در کنار او مصرف می کردم.

◆ **پشیمانی؟**

خیلی! هر روز خواب های وحشتناکی می بینم که در تاریکی شب افرادی به سرم ریخته اند و مرا کتک می زنند یا از بالا روی میله های فلزی نوک تیز سقوط می کنم و … وجدانم خیلی ناراحت است! فریب خوردم! در آرزوی رسیدن به خوش گذرانی، زندگی ام را نابود کردم البته این عقابت نگاه کردن به ناموس مردم است.

◆ **فکر می کردی دستگیر شوی؟**

نه! نقشه آن زن زیرکانه بود اما فقط دو روز بعد کارآگاهان جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به سراغم آمدند و سرهنگ نجفی به دستانم دست بند زد.

شماره مجوز: ۱۳۹۹.۲۲۱۱

فراخوان مناقصه عمومی

یک مرحله‌ای (نوبت اول)

مناقصه‌گزار: شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران – منطقه گیلان

موضوع مناقصه: تعمیرات سقف و واک وی مخزن شماره ۱۰۸ به همراه رنگ‌آمیزی سقف آن در انبار نفت رشت

مهلت و محل دریافت و ارایه پاکات و اسناد مناقصه: متقاضیان می‌بایست پس از انتشار آگهی نوبت دوم تا تاریخ ۹۹/۰۵/۲۷ با مراجعه به سایت SETADIRAN.IR اسناد را دریافت نمایند، سپس محتویات پاکات تضمین (الف)، پیشنهاد فنی بازرگانی به همراه فرم‌های تکمیل شده (ب) و پیشنهاد قیمت (ج) را تا تاریخ ۹۹/۰۶/۱۰ در سامانه مذکور بارگذاری نمایند.

*** نکته مهم:** کلیه متقاضیان شرکت در مناقصه می‌بایست در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس اینترنتی SETADIRAN.IR مراجعه و ثبت‌نام نموده و کلیه مراحل مناقصه را از بستر این سامانه انجام و پیگیری نمایند. برداشت اسناد از سایر سایت‌ها موردقبول نمی‌باشد.

بر آورد مالی: ۱۰/۲۶۶/۸۸۶/۱۳۶ ریال

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ تضمین ۵۱۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال و براساس تصویب نامه شماره ۱/۲۳۴۰۲/ت/۰۶۵۹، ۵ به تاریخ ۹۴/۹/۲۲ هیات محترم وزیران

نکات مهم: * شرکت‌کنندگان پس از تهیه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار می‌بایست آن را در سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) بارگذاری نموده و اصل ضمانتنامه را به امور مالی این شرکت ارایه نمایند.

* در صورت پرداخت به صورت وجه نقد، به حساب جام شماره ۱۱۶۵۱۱/۹۲۰۰۱ با کد شناسه ۹۴۶۱۵۵۹۴۶/۱۰ نزد بانک ملت واریز و فیش واریزی را به امور مالی این شرکت تحویل و رسید وجه دریافت نمایند. رسید وجه تهیه شده می‌بایست در سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) بارگذاری گردد.

تاریخ بازگشایی: مناقصه‌گران می‌توانند در روز دوشنبه مورخ ۹۹/۰۶/۱۷ ساعت ۱۰:۰۰ با معرفی ۲ نفر نماینده به صورت کتبی در جلسه بازگشایی پاکات که در سالن اجتماعات این شرکت به آدرس رشت – گلसर – بلوار سمیه – جنب بیمارستان گلसर – شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه گیلان – به شماره تلفن‌های ۹-۰۶۸-۳۲۱۱۵-۰۱۳ شرکت نمایند.

شرایط متقاضی (کلیه شرکت‌های توانمند):

۱ – ارایه گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری معتبر و داشتن رتبه حداقل پایه پنج رشته تاسیسات و تجهیزات از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا رتبه پنج رشته نفت و گاز

۲ – ارایه گواهی صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی

۳ – ارایه حداقل ۱ فقره قرارداد با حجم مشابه از حیث موضوع و مبلغ پیمان و ۱ فقره حسن سابقه همان قرارداد (طی ۵ سال گذشته)

۴ – احراز امتیاز قابل قبول براساس معیارهای ارزیابی توانمندی بهداشتی، ایمنی و زیست محیطی (HSE)

* به پیشنهادهای مشروط، مبهم و متناقض با شرایط مندرج در اطلاعیه و یا وصول شده پس از تاریخ مقرر در آگهی ترتیب اثر داده نخواهد شد.

* به پاکات فیزیکی ارایه شده (به غیر از تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار) ترتیب اثر داده نمی‌شود.

ضمنا اسناد مناقصه مذکور در سایت‌های WWW.SHANA.IR ، HTTP://MONAGHESE.NIOPDC.IR ، HTTP://IETS.MPORG.IR و HTTP://GILAN.NIOPDC.IR صرفا جهت رویت بوده و ضروری است کلیه مراحل مناقصه اعم از برداشت اسناد و سایر مراحل در بستر سامانه SETADIRAN.IR اقدام گردد.

چاپ آگهی: نوبت اول روز چهارشنبه مورخ ۹۹/۰۵/۰۸ – نوبت دوم روز دوشنبه مورخ ۹۹/۰۵/۱۳

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه گیلان